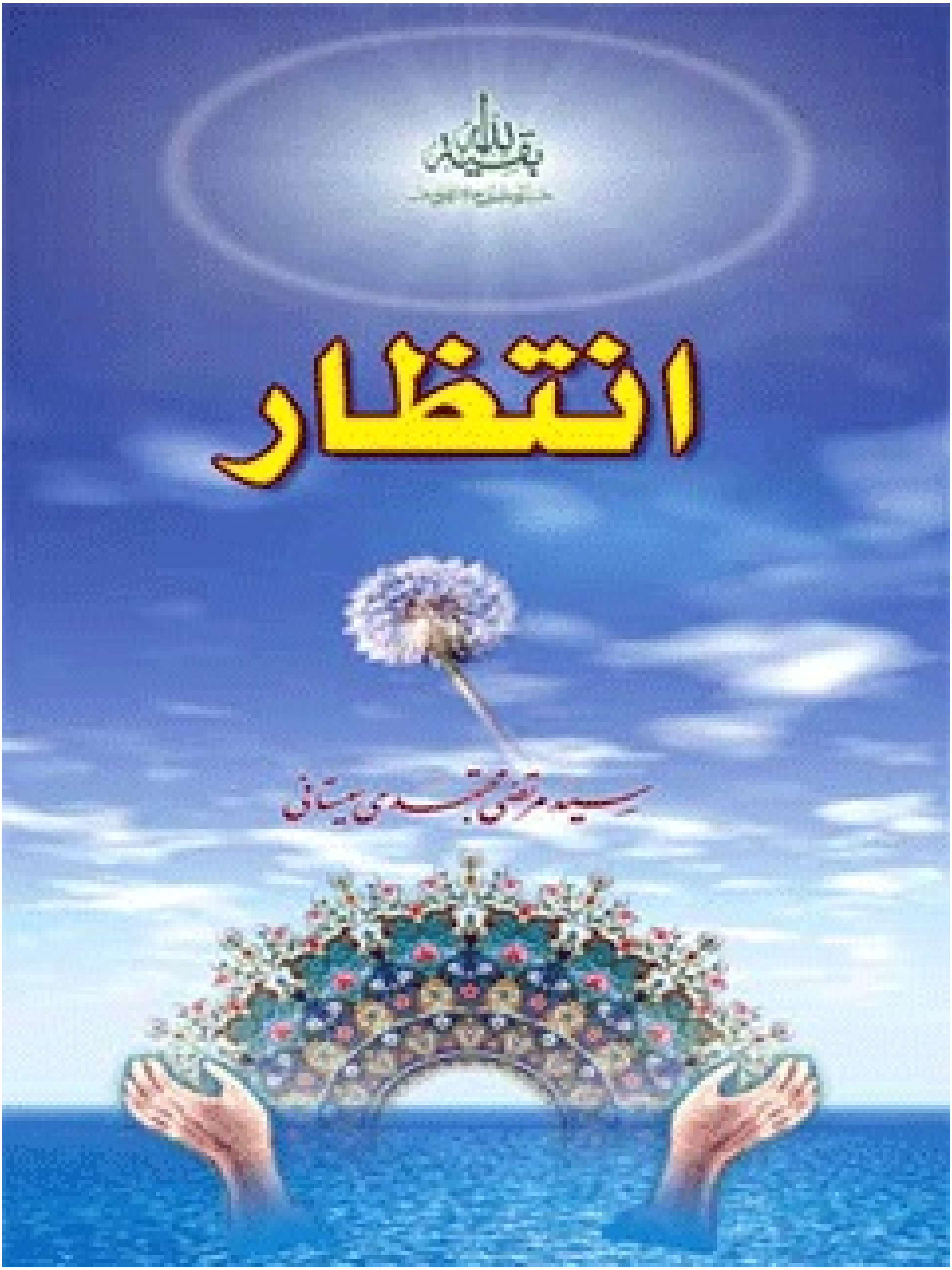

بقیۃ اللہ
انتظار
سید مرتضیٰ مجتہدی سیستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار

مشخصات کتاب

انتظار

تألیف :

سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی

نوشته حاضر

بخشی از کتاب »اسرار موفّقیّت« است

که تاکنون به زبان های عربی، اردو،

انگلیسی و آذربایجانی

ترجمه و چاپ شده است .

انتظار

-مؤلّف : سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر : نشر الماس

چاپ : ...

نوبت چاپ : اوّل

تاریخ چاپ : خردادماه ۱۳۸۶

قطع و صفحه : پالتوی / ۴۸

تیراژ : ... جلد

قیمت : ... تومان

-شابک : ۷ - ۴۰ - ۳۵۷۷ - ۴۶۹ISBN :

تلفن مرکز پخش : (۰۲۵۱) ۷۷۳۳۴۵۷

نشر الماس : (۰۲۵۱) ۷۷۴۷۷۶۶ - ۶۶۰۸۴۸۵

۰۹۱۲ ۲۵۱ ۰۳۵۸ - ۰۹۱۲ ۱۵۳ ۹۹۷۹

WWW.almas_publish.com

Email:info@almas_publish

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات اللّه علیه :

ای رهبران پاک

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

-بحار الأنوار : ۳۴۵/۱۰۰، الصحیفه المبارکه المهدیّه : ۵۸۴

فهرست مطالب

از فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام :

أفْضَلُ عِبادَهِ الْمُؤْمِنِ اِنْتِظارُ فَرَجِ اللَّهِ

برترین عبادت مؤمن آن است که از سوی خدا ،

انتظار گشایش و فرج داشته باشد .

ارزش انتظار

انتظار، از ویژگی های عالیِ مردانی است که در راه موفّقیت، گام برمی دارنـد. زیرا بر اساس گفتار گهرباری که خاندان وحی در پیرامون شخصیّت مردان بزرگ در دوران غیبت، بیـان فرموده انـد؛ منتظران راستین ظهور، بافضـیلت ترین مردمِ همه زمانها هستند.

به این جهت گروهی – بـا برداشت کاملی که از مسأله انتظار دارنـد – آن را مهم ترین عامل موفّقیت، در این روزگار می دانند

و معتقدنـد، انسـان می توانـد همه عوامـل تعـالی و تکامـل را در »انتظار راستین« جسـتجو نموده و به وسـیله آن بر فراز آسـمان معنویّت به پرواز درآید و خود را از مشکلات و گرفتاریهای اجتماعی و گرفتگی های روحی نجات بخشد.

انتظار، به معنای واقعی و کامل آن، حالتی است دشوار، که گویی هاله ای از اسـرار، آن را احاطه کرده است و اندک مردمانی وارسته، به کمال آن راه یافته اند و از بافته های دشمنان سرتافته اند.(۱)

زیرا انتظار در مرحله عالی و

نهائی آن – که در اصحاب خاص امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد – به معنای آمادگی و کمک – با استفاده از قدرت های غیر عادی – برای پیاده کردن نظام آسمانی و خدمتگزاری در حکومت ملکوتی حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه است.

انتظار، در هر مرحله ای که تحقق پذیرد، یک نوع استمداد باطنی از عالم غیب و راه تقرّب به خداوند است و اگر تداوم یافته و تکامل یابد، با مرور زمان تیرگیهایی که در اعماق وجود انسان وجود دارد و در نفس و ضمیر ناخودآگاه او قرار گرفته است، نابود می کند و دریچه هایی از نور و روشنایی را در باطن انسان روشن می سازد و از این طریق راه تکامل را به سوی او می گشاید. زیرا انتظار، حالت آمادگی در تمام ابعادِ لازم است و توجّه باطن را به سوی جهانی از صفا، صمیمیت و نورانیت جذب می کند. جهانی که همه قدرت ها و توانایی های اهریمنی و شیطانی در آن نابود می شود و انوار الهی بر اعماقِ جان همه انسانهای سراسر گیتی می تابد.

با توجه به این حقیقت، می گوئیم: کسی به مراحل عالی صراط انتظار گام نهاده است، که دارای قدرتهای خارق العاده باشد. زیرا همان گونه که می دانیم؛ حکومت امام عصر ارواحنا فداه، یک حکومت ملکوتی و فوق العاده می باشد – که درک کامل آن برتر از قدرتِ اندیشه ما است – و باید یاورانی پروانه وار گرداگرد حضرت بقیّهاللّه ارواحنا فداه جمع گشته و در صف مقدّم به یاری آن بزرگوار بپردازند که خود مرد راه باشند و قدرت اطاعت فرمانهای ملکوتی آن بزرگوار را که نیاز به داشتن قدرتهای خارق العاده دارد(۲)، داشته باشند.

روایاتی که اوصاف

و ویژگیهای سیصد و سیزده تن از یاوران ممتاز امام عصر ارواحنا فداه را بیان می کنند، آنان را دارای قدرتهای روحی و غیر عادی - حتّی در زمان غیبت - معرفی می نمایند.

عوامل انتظار

اشاره

ما باید سعی کنیم از حقیقت معنای انتظار آگاهی یافته و این حالت را در خود و دیگران ایجاد کنیم.

برای فراگیر شدن مسئله انتظار و آموختن و جلوه دادن عظمت آن به دیگران، راه های گوناگونی وجود دارد که با استفاده از آن ها، می توانیم حالت انتظار را در جامعه ایجاد نمائیم و در ژرفای وجود آنان، بذر انتظار را بارور سازیم. اینک بعضی از مهمترین راه هایی را که به وسیله آنها جامعه به سوی مسئله انتظار گرایش پیدا می کند، یاد آور می شویم.

۱ - آشنایی با مقام عظیم ولایت و شناخت عظمت امام زمان علیه السلام .

۲ - آشنایی با آثار شگفت انتظار به معنای کامل و مراحل عالی آن .

۳ - آشنایی با اوصاف و ویژگیهای اصحاب امام عصر ارواحنا فداه، که به مرحله عالی انتظار رسیده و از قدرتهای عظیمِ روحی برخوردار شده اند و فرمانهای امام زمان ارواحنا فداه را انجام می دهند.

۴ - آشنایی با آینده انسان و جهان، تحوّلات عظیم و دگرگونیهای مهمّی که در زندگانی مردمِ زمان ظهور، واقع می شود .(۳)

معرفت به مقام امام زمان ارواحنا فداه، شناخت یاوران بزرگ آن حضرت، و تکمیل عقلها و تکامل علمی، ارتباط با عالم نامرئی و غیب، شناخت موجودات ناشناخته، سفر به آسمان و فضاهای دور و مسائلی دیگر از این قبیل، مردم را به سوی مسأله ظهور امام عصر عجّل اللّه تعالی له الفرج فرا می خواند و حالت انتظار و آمادگی برای دولت

پرشکوه و اسرارآمیز آن حضرت را در آنان ایجاد می کند .

علم و آگـاهی از این گونه حقـائق، شور و نشاط را در دل و جان همه مردمان پاک طینت، به وجود می آورد و آنان را شـیفته آن روزگـار پرشـکوه می کنـد و حـالت انتظـار و توقّع ظهور را که از وظائف مسلّم هر انسان است، در جامعه ایجاد می کنـد. اینک به توضیح مطالب یاد شده می پردازیم :

۱– آشنایی با مقام امام زمان ارواحنا فداه

آشنایی با خصوصیّات و اوصاف امام زمان ارواحنا فداه، و توجّه به وجود باعظمت آن بزرگوار، عامل مهمّی برای ایجاد حالتِ انتظار است.

زیرا توجّه به این نکته که اکنون در سراسر گیتی و در تمامی جهان آفرینش، کسی به جز آن بزرگوار شایسته رهبری و اصلاح عالم هستی نیست، انسان را به سوی آن حضرت جذب می کند .

آن بزرگـوار آخرین ذخیره الهی و تنهـا بازمانـده امیران جهـان هسـتند که حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام دربـاره آنـان می فرمایند:

عِلْمُ الْأَنْبیاءِ فی عِلْمِهِمْ وَسِرُّ الْأَوْصیاءِ فی سِرِّهِمْ وَعِزُّ الْأَوْلیاءِ فی عِزِّهِمْ ، کَالْقَطْرَهِ فِی الْبَحْرِ وَالذَّرَّهِ فِی الْقَفْرِ .(۴)

علم پیامبران، در برابر دانش آنان و سرّ اوصیاء، در برابر سرّ آنان و عزّت اولیاء، در برابر عزّت آنان، همچون قطره ای در دریا و همانند ذرّه ای در میان بیابان است.

اینک ما که در زمان آخرین نفر از این خانـدان هستیم، وظیفه داریم با توجّه به حضـرتش و با پیروی از خواسـته های هدایتگر آن بزرگوار، خود را از تباهی و غفلت نجات دهیم و در انتظار فرا رسـیدن حکومت آن حضـرت که پرچم هدایت و عدالت را بر افلاک می زند، روز شماری کنیم.

اگر کسی در این روزگار آن حضرت را بشناسد و از امدادهای غیبی امام زمان

عجّل اللّٰه تعالی فرجه در »زمان غیبت«، آگاهی داشته باشد و با تحولاّتی که آن بزرگوار در »زمان ظهور« در سراسر گیتی در انسان و جهان ایجاد می نمایند آشنا باشد، همیشه به یاد آن بزرگوار خواهد بود و همان گونه که امر فرموده اند(۵) در انتظار طلوع خورشید ولایت بسر خواهد برد.

معرفت، در چنین انسانی، زنگار غفلت را از قلبش می زداید و صفا و نورانیّت را جایگزین آن می نماید. اینک به روایت جالبی که نشانگر امدادهای غیبی آن حضرت در زمان غیبت می باشد، توجّه کنید. جابر جعفی از جابر بن عبداللّٰه انصاری از پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

... ذاکَ الَّذی یَفْتَحُ اللَّهُ – تَعالی ذِکْرُهُ – عَلی یَدَیْهِ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَها، ذاکَ الَّذی یَغیبُ عَنْ شیعَتِهِ وَأَوْلِیائِهِ غَیْبَهً لایَثْبُتُ فیها عَلَی الْقَوْلِ بِإمامَتِهِ اِلّا مَنْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِیمانِ.

قالَ: فَقالَ جابِرُ: یا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ یَنْتَفِعُ الشّیعَهُ بِهِ فی غَیْبَتِهِ؟ فَقالَ صلی الله علیه وآله وسلم: ای وَالَّذی بَعَثَنی بِالنُّبُوَّهِ أَنَّهُمْ لَیَنْتَفِعوُنَ بِهِ وَیَسْتَضیئوُنَ بنوُرِ وِلایَتِهِ فی غَیْبَتِهِ کَانْتِفاعِ النّاسِ بِالشَّمْسِ، وَإِنْ جَلَّلَها السَّحابُ، یا جابِرُ، هذا مَکْنوُنُ سِرِّاللَّه وَمخْزوُنُ عِلْمِهِ فَاکْتُمْهُ إِلاَّ عَنْ أَهْلِه.(۶)

... اوست) حضرت مهدی ارواحنا فداه(که خداوند – که یادش بزرگ باد – با دستان او مشرق ها و مغرب های زمین را می گشاید. اوست کسی که از شیعه و اولیائش غایب می شود، بطوری که ثابت قدم نمی ماند بر عقیده به امامت او، مگر کسی که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان نموده باشد.

جابر جعفی می گوید: جابر بن عبداللّٰه انصاری به پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم عرض کرد: یا رسول اللّٰه ؛ آیا شیعیان در زمان غیبت، از

او بهره مند می شوند؟

پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم در جواب فرمودند: آری به خدائی که مرا به رسالت مبعوث نموده ؛ آنان به وسیله او بهره مند می شوند در زمان غیبت او، و به وسیله نور ولایت او روشنایی می یابند ؛ همان گونه که مردم از خورشید بهره مند می شوند ، گرچه ابر آن را پوشانده باشد . ای جابر ؛ این از سرّ مکنون الهی و علم مخزون اوست ، پس آن را مخفی دار مگر از اهلش .

همان گونه که ملاحظه نمودید، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در این روایت با تأکید قسم یاد نموده اند که شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه از مقام ولایت آن حضرت نور می گیرند.

کیست بی پرده به خورشید، نظر باز کند

چشم پوشیده ما، علّت پیدائی تست

از لطافت نتوان یافت، کجا می باشی

جای رحم است بر آن کس که تماشایی تست

در زمان غیبت گرچه امام زمان ارواحنا فداه غایب هستند، ولی در حقیقت پرده غیبت بر قلب های ما است و گرنه امام علیه السلام نور درخشان هستند و برای کسی که قلبش بینا است آشکارند ، اگرچه به ظاهر نابینا باشد .(۷)

توجّه به این حقیقت، انسان را به مقام ولایت، علم و قدرت آن بزرگوار راهنمائی می کند و محبّت امام زمان ارواحنا فداه را در قلب ها سرشار نموده و انتظار فرا رسیدن حکومت جهانی حضرتش را در دل ها ایجاد می کند .

۲- آشنائی با آثار انتظار

۱- گریز از یأس و ناامیدی

در جامعه ای که دین در آن نقشی ندارد و مردم در انتظار آینده ای بهتر نیستند، سرخوردگی از زندگی، قتل و خونریزی و خودکشی، فراوان به چشم می خورد. زیرا مردم عوامل منفی مانند فقر و تنگدستی، ظلم و ستم، تجاوز و قانون شکنی، بی اعتنایی

به حقوق انسانها و این گونه مسائل را می بینند، و در برابر آن راه چاره و فرار از این تباهی ها را پیدا نمی کنند. به این جهت گرفتار بلای خانمان سوز یأس و نا امیدی می شوند؛ زیرا به خدا و آینده امیدی ندارند و راه گریز از همه این گرفتاری ها را دست زدن به خودکشی می پندارند. و با دست زدن به این جنایت نه تنها دنیا و آخرت خود؛ بلکه آینده زن و فرزندان و نزدیکان خود را نیز به تباهی می کشانند.

ولی شخصی که حالت انتظار را در خود به وجود آورده و هر لحظه امیدوار است تابش انوار تابناک ولایت را بر سراسر هستی بنگرد، هیچ گاه حاضر نیست دست به این گونه جنایت بزند و با ریختن خون خویش، زندگی عده ای دیگر را نیز به تباهی بکشد. بنابر این، مسئله انتظار فرج برای او گشایش است و زمینه گریز از نا امیدی و تباهی را فراهم می کند. روایتی که می آوریم، گواه بر این حقیقت است:

عَنِ الحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قالَ: سَأَلْتُ أَبَاالْحَسَنِ علیه السلام عَنْ شَیْ ءٍ مِنَ الْفَرَجِ .

فَقالَ علیه السلام: اَوَلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ اِنْتِظارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ ؟

قُلْتُ: لا أَدْری إِلّا أَنْ تُعَلِّمَنی .

فَقالَ علیه السلام: نَعَمْ، اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ.(۸)

حسن بن جهم می گوید: از حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام درباره فَرَج سئوال نمودم. امام علیه السلام فرمودند: آیا نمی دانی که انتظار فرج، مقداری از فرج است. گفتم: من خبر ندارم، مگر آن که شما به من تعلیم نمائید.

امام علیه السلام فرمودند: آری، انتظار فرج مقداری از فرج است.

۲- تکامل روحی

انسان می تواند با ایجاد انتظارِ کامل، مقداری از حالات مردمِ زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - را در خویشتن

ایجاد کند و به وسیله امید و انتظار، خود را از ناامیدی و تباهی نجات دهد.

به این جهت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود از حضرت امیرالمؤمنین صلوات اللّٰه علیهم نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

أَفْضَلُ عِبادَهِ الْمُؤْمِنِ اِنْتِظارُ فَرَجِ اللَّهِ.(۹)

برترین عبادتِ فرد مؤمن، این است که از خداوند انتظار فرج داشته باشد.

بنابراین انسان بر اثر داشتن حالتِ انتظار، می تواند بعضی از آثار تکامل در زمان ظهور را در خود ایجاد کند .

برای توضیح مطلب به فرمایش امام سجادعلیه السلام به ابی خالد توجه کنید:

عَنْ أَبی خالِدِ الکابُلی عَنْ عَلیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام: تَمْتَدُّ الْغَیْبَهُ بِوَلِیِّ اللَّهِ الثّانی عَشَرَ مِنْ اَوْصیاءِ رَسوُلِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وسلم وَالْأَئِمَّهِ بَعْدِهِ .

یا أَبا خالِدٍ ؛ إِنَّ أَهْلَ زَمانِ غَیْبَتِهِ، اَلْقائِلُونَ بِإمامَتِهِ، اَلْمُنْتَظِروُنَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ کُلِّ زَمانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ – تَعالی ذِکْرُهُ – أَعْطاهُمْ مِنْ الْعُقوُلِ وَالْأَفْهامِ وَالْمَعْرِفَهِ ما صارَتْ بِهِ الْغَیْبَهُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَهِ الْمُشاهَدَهِ، وَجَعَلَهُمْ فی ذلِکَ الزَّمانِ بِمَنْزِلَهِ الْمُجاهِدینَ بَیْنَ یَدَیْ رَسوُلِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وسلم بِالسَّیْفِ، اُولئِکَ الْمُخْلِصوُنَ حَقّاً، وَشیعَتُنا صِدْقاً، والدُّعاهُ اِلی دینِ اللَّهِ سِرّاً وَجَهْراً .

وَقالَ علیه السلام: اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ .(۱۰)

ابی خالد کابلی از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

غیبت به وسیله ولیّ خداوند که دوازدهمین نفر از اوصیاء پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وامامان بعد از اوست، طولانی می شود.

ای ابا خالد ؛ بدرستی مردمانی که در زمان غیبت او هستند و معتقد به امامت او و منتظر ظهور او می باشند، برتر از اهل هر زمانی هستند.

زیرا خداوند – که یادش بزرگ باد – آن قدر از عقل ها و فهم ها و معرفت به آنان عنایت

می نماید که غیبت در نزد آنان بمنزله مشاهده است و آنان را در آن زمان به منزله مجاهدینی قرار داده است که در حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با شمشیر می جنگند. آنان حقیقتاً با اخلاص هستند و شیعیان با صداقت ما می باشند و مردم را در آشکار و پنهان به سوی دین خداوند فرا می خوانند.

سپس امام سجّادعلیه السلام فرمودند: انتظار فرج، از اعظم فرج است.

دوست نزدیک تر از من، به من است

وین عجبتر که من از وی دورم

این سخن با که توان گفت که دوست

در کنار من و من مهجورم

منتظران راستینی که در صراط انتظار به تکامل رسیده اند، بر اثر آماده ساختن خود برای حکومت قدرتهای غیبی خداوند بر سراسر گیتی، در زمان غیبت به قسمتی از ویژگیهای فردی زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - دست می یابند، به گونه ای که روزگار تیره غیبت برای آنان بمنزله روز شهود است.

اگر انتظار در آنان دارای این گونه آثار نباشد، پس چگونه انتظار فرج أعظم فرج است؟ آنان با حالت انتظار، میان زمان ظهور و غیبت پیوند می زنند و برخی از حالات آن روزگار را در دوران غیبت به دست می آورند.(۱۱)

مرحوم شیخ انصاری در منزل امام زمان ارواحنا فداه

اینک برای روشن شدن دل ها، جریانی را از شخصیت بزرگ جهان شیعه - که به وسیله داشتن قدرت های غیبی در آشکار و نهان به یاری دین خدا برخاست - می آوریم:

یکی از شاگردان مرحوم شیخ انصاری درباره ارتباط مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه و تشرّف ایشان به منزل آن حضرت چنین گفته است:

در یکی از زیارات مخصوصه حضرت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام به کربلا مشرّف شده بودم. شبی بعد از نیمه شب برای

رفتن به حمام از منزل بیرون آمدم، وچون کوچه ها گِل بود، چراغی همراه برداشتم. از دور شخصی را شبیه به شیخ دیدم. چون قدری نزدیک رفتم، دیدم آری شیخ است. در فکر فرو رفتم که ایشان در این موقع از شب، آن هم در این گل ولای با چشم ضعیف به کجا می رود؟ من برای این که مبادا کسی او را کمین کرده باشد، آهسته در پی او روان شدم تا بر در خانه مخروبه ای ایستاد و زیارت جامعه را با توجّه خاصی خواند و سپس داخل آن خانه گردید!

من دیگر چیزی نمی دیدم ولی صدای شیخ را می شنیدم، گویا با کسی صحبت می کرد. من به حمام رفتم و بعد به حرم مطهّر مشرّف گشتم و شیخ را در حرم مطهّر دیدم. بعد از پایان مسافرت، در نجف اشرف خدمت شیخ رسیدم و جریان آن شب را به عرض وی رساندم. اوّل شیخ انکار کرد تا پس از اصرار زیاد فرمود:

گاهی برای رسیدن خدمت امام عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف مأذون می گردم و پشت درب آن منزل که تو آن را پیدا نخواهی کرد می روم و زیارت جامعه را می خوانم؛ چنانچه ثانیاً اجازه دهند، خدمت آن حضرت شرفیاب می شوم و مطالب لازمه را از آن سرور می پرسم. سپس شیخ فرمود: تا زمانی که در قید حیات می باشم، این مطلب را پنهان دار و به کسی اظهار مکن.(۱۲)

این گونه شخصیّتهای بزرگ و راه یافته دارای آمادگیِ کامل برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشند، نه آنان که در زمان ظهور با تأویل و توجیه آیات قرآن مجید، به جنگ با آن حضرت می پردازند!

کلید گنج سعادت فتد به

دست کسی

که نخل هستی او را بود بَرِ هنری

چو مستعد نظر نیستی، وصال مجوی

که جام جم ندهد سود، وقت بی بصری

رمز موفقیّت ها و راز محرومیّت ها

ممکن است سئوال شود: چگونه مرحوم شیخ انصاری هر گاه اجازه می یافت، می توانست به منزل امام زمان ارواحنا فداه برود و با خواندن زیارت جامعه و اذن ثانوی، وارد منزل شود و با امام مهربان خویش، سخن بگوید؟

او چگونه به این مقام راه یافته بود، ولی شاگرد آن بزرگوار که او نیز منزل امام عصر ارواحنا فداه را دیده بود، چنین افتخاری نداشت و مرحوم شیخ به او چنین فرمود: تو دیگر آن خانه را نخواهی یافت؟!

این سئوال مهمّی است که پاسخ قانع کننده ای لازم دارد. متأسفانه بعضی از افراد برای این گونه سئوالات، جواب های آماده و فوری دارند و در برابر این قبیل پرسش ها فوراً پاسخ می دهند: خدا چنین خواسته است یا خدا با بعضی از افراد – نعوذ باللّه – قوم و خویشی دارد و هیچ گونه ارتباطی به عمل و خواسته مردم ندارد!

این گونه پاسخ ها که بیشتر برای شانه خالی کردن از بار مسئولیّت می باشد، صحیح نیست. به این جهت نه قانع کننده است و نه هیچ گاه کسی را به راهی راهنمایی می نماید.

ما در پاسخ این سئوال – با توجه به فرمایشات خاندان وحی – می گوئیم:

خداوند مهربان همه انسان ها را به سوی تکاملِ معنوی و روحی فرا خوانده است و در دعوت عمومی خود به همه کسانی که در این راه قدم بردارند، اجر و پاداش می دهد. همان گونه که میزبان، میهمانان خویش را دعوت می کند و در صورت شرکت در مجلس، از همه آنان پذیرایی می کند؛ خداوند نیز زمینه پیشرفت و

تکامل را در انسان ها ایجاد نموده و به این گونه، آنان را به سوی تکامل دعوت کرده است . و در قرآن مجید صریحاً فرموده است:

»وَالَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا «(۱۳)

هر کس در راه ما کوشش کند، ما حتماً او را به راه های خود هدایت می کنیم.

این وظیفه میهمانان است که دعوت خدا را پاسخ گویند و در راه تکامل روحی و پیشرفت معنوی خود، قدم بردارند.

بنابراین در انسان ها زمینه پیشرفت و تکامل وجود دارد و آنان از این نعمت بهره مند هستند؛ ولی آن را بایگانی نموده و از آن استفاده نمی کنند. مانند ثروتمندان کوتاه نظری که به انباشته شدن هر چه بیشترِ حساب های پس انداز خود در بانک ها خوشنودند و هیچگاه توفیق استفاده از آن ثروت ها را پیدا نمی کنند.

برای موفقیّت باید از زمینه ها و تواناییهای موجود استفاده کنید و کمبودهای خود را نیز جبران نمائید، تا به اهداف بزرگ خود دست یابید.

بسیاری از افراد از نظر ذاتی، توانایی و آمادگی زیادی برای رسیدن به تکامل معنوی و روحی دارند، ولی چون کاری به این امور ندارند؛ هیچ گونه استفاده ای از این گونه توانایی ها نمی برند و از دنیا کوچ می کنند و آن ها را به خاک می سپارند . همچون ثروتمندانی که در زمان های گذشته ، برای حفظ ثروت خود، آنها را در دل خاک پنهان می کردند و نه خود و نه فرزندانشان هیچ گونه بهره ای از آن اموال نمی بردند.

برای آن که روشن شود چگونه بعضی از افراد دارای تواناییهای روحی بیشتر و قدرت درکِ بهتر می باشند و چگونه آن را به دست آورده اند، گفتاری را از مرحوم شیخ حرّ عاملی که از علماء بزرگ شیعه بوده است

می آوریم؛ ایشان می گویند:

روشن است که دیـدن و شـنیدن و امثـال این ها ، مسـتقلاً با چشم و گوش و امثال این دو نیست، بلکه آن ها وسـیله ای هسـتند برای روح، که روح به وسـیله آن ها می بیند و می شـنود و ... و چون روح انسان قوی نیست، دیدن و شنیدن او مقیّد و محدود به این گونه اسباب مادّی در محدوده خاصّ است .

از این جهت فقـط مادّیـات را می بینـد و از درک مسائـل روحی نـاتوان است؛ ولی اگر روح انسـانی تقـویت شـود و به وسـیله عبادات و انجام واجبات و ترک محرّمات تقرّب به سوی خداوند پیدا نماید، روح او قوی می شود. وقتی روح قوی شد، قدرت اسـتفاده او از مادّیـات و طبیعیّات بیشتر می شود. بنـابراین بـا چشـمش اشـیائی را می بینـد که دیگران نمی بیننـد و با گوشـش چیزهایی را می شنود که دیگران نمی شنوند و ...

این غلبه و قـدرت، در افراد مختلف است؛ همـان گونه که تقرّب آنـان به خداونـد یکسـان نیست. هر کس به وسـیله عبادات و مجاهـدات به خداوند نزدیکتر شود، حالات معنوی و روحی او قویتر می شود و در درک اموری که دیگران قدرت ادراک آن را با چشم و گوش و امثال این دو ندارند، نیرومندتر می شود.(۱۴)

با این بیان روشن شـد که چرا افرادی همچون مرحوم شـیخ انصاری می توانند به آن نعمت بزرگ دست یابند، ولی افراد دیگر این قدرت و توانایی را ندارند و دیدگان آنان عاجز از دیدن این گونه امور است.

دارا بودن حالت انتظار به معنای کامل آن، درک این گونه امور را برای شما به ارمغان می آورد.

دیده باطن چو بینا می شود

آنچه پنهان است، پیدا می شود

منتظرانی که در صراط انتظار سوخته اند

و خود را ساخته اند، با فرار از هوای نفس و پرواز و ترقی روح، از تسلّط نفس خارج می شوند و جاذبه نفس قدرت ندارد آنان را به سوی خود بکشاند . همان گونه که سفینه های فضایی آن گاه که از مدار زمین خارج می شوند، جاذبه زمین دیگر نمی تواند آنها را به سوی خود بکشاند؛ شما نیز اگر با مرور زمان، خود را از مدار هواهای نفسانی خارج کنید، جاذبه نفس و وسوسه شیطان در شما تأثیری ندارند.

یاران اهل بیت علیهم السلام همچون جناب سلمان این گونه بودند. آنان از مدار نفس خارج شده و از قید مادّیات رها گشتند؛ از این رو با عالم غیب در ارتباط بودند . ولایت و قدرتی که سلمان داشت، از این جهت بود که از مدار نفس خارج شده و هواهای خود را نابود کرده بود. و میل و اراده امیرالمؤمنین علیه السلام را حاکم بر میل و اراده خود قرار داده و به این جهت از قدرت های نهان و نیروهای غیبی بهره مند بود و استفاده می کرد .

۳- شناخت مقام ولایت

انتظار ظهور، قدرتِ ولایت امام زمان ارواحنا فداه را در قلب و جان شخص منتظر استحکام می بخشد و او را بر این عقیده ثابت و استوار می نماید که روزی از کنار خانه خدا، قدرت الهی بدست آن حضرت آشکار می شود و همه طاغوتیان جهان را که زالو صفت به مکیدن خون ضعیفان پرداخته اند، به سزای اعمال ننگینشان می رساند، و با صلابت و قدرت عظیم ولایت، به همه جهانیان ثابت و روشن می کند، کسی دارای مقام امامت و ولایت است که بتواند قدرت خدا را ظاهر و آشکار نماید.

این، اندیشه و اعتقاد یک فرد

منتظر است. بنابراین انتظار ظهور، همراه با اعتقاد به عقاید و معارف اصیل دین می باشد؛ زیرا که انتظار، بذر معرفت و شناختِ اعتقادات را در اذهان منتظران بارور می کنـد و به آنان تفهیم می کند: سـرانجام، سراسـر گیتی در تحت سـیطره قدرت ولایت سر و سامان می یابد و قدرتِ عظیم و ناشناخته ولایت، همه قدرتهای ستمگر جهان را به زانو در می آورد و تمدّن مادّی جهان در برابر نیروی بیکران ولایـت الهی تـاب نیـاورده و عـالم در اختیار نیروهای شـگفت انگیز مصـلح جهان ارواحنا فـداه قرار می گیرد.

۴– شناخت مدّعیان

در طول تاریـخ شـیعه، افراد متعـددی با ادّعای مهدویّت قیام نموده اند و خود را رهبر و مصـلح مردم معرّفی نموده اند، و با این حیله خون و جـان و مـال انسـان هـا را پایمال نموده و عـده ای را به گمراهی کشانـده انـد؛ ولی افرادی که صادقانه در صـراط انتظار قـدم برداشـته انـد و وجود خود را با انوار تابناك ولایت روشن ساخته اند، فریب این شـیّادان را نخورده اند و به دام این صیّادان گرفتار نشده اند و با زبان حال به آنان گفته اند:

برو این دام بر مرغِ دگر نه

که عنقا را بلند است آشیانه

آگاهی آنان و شناختِ شیّادان و دزدان طریق، به خاطر آشنایی آنان با مقام رفیع امامت است .

به این جهت آب حیات را به سراب نمی فروشند و غاصبان خلافت را به امامت برنمی گزینند .

۳– آشنایی با مقام منتظران تکامل یافته

یا اصحاب بزرگ امام عصر ارواحنا فداه

یکی دیگر از اموری که باعث جذب شدن مردم به صـراط انتظار است آشـنا شدن با مقام منتظران تکامل یافته یا اصـحاب امام عصر ارواحنا فداه می باشد.

از آثـار شـگفتی که انتظـار، برای منتظرانِ تکامـل یـافته به ارمغـان می آورد، این است که نه تنهـا آنان از نظر عقیـده و اعتقاد، عارف به مقام عظیم ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند؛ بلکه خود، روزنه ای از نور پرفروغ خورشید ولایت می باشند . یعنی بر اثر تکامـل در مسـیر انتظار تا حـدّ ظرفیت خویش، از مقام خانـدان وحی قـدرت های معنوی و روحی کسب نموده انـد، و با استفاده از آنها، مأموریتهایی که به آنان داده می شود، انجام می دهند.

این گونه افراد، سرآمد یاوران امام زمان ارواحنا فداه می باشند و پیشتازان به سوی مقام ولایت آن حضرت می باشند.

اینک به این نکته توجه کنید که خداوند کریم در قرآن مجید می فرماید :

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ

أَيْنَ ما تَكَونُوا يَأْتِ بِكَمُ اللَّهُ جَميعاً «(۱۵) .

در خیرات از یکدیگر سبقت بگیرید. هر جا که باشید خداوند همه شما را می آورد.

این آیه درباره سیصد و سیزده تن از بزرگان اصحاب امام عصر ارواحنا فداه است که در روز ظهور، خداوند بزرگ آنان را در کنار خانه خود به گرد وجود مقام ولایت کلّیه جمع می کند، تا به یاری آن حضرت بشتابند و به زندگی سیه دلان روزگار خاتمه بخشند.

گاهی سئوالی مهمّ به ذهن بعضی از افراد می آید، که آیا مقصود از سبقت گرفتن آنان در خیرات چیست؟ و سیصد و سیزده تن از یاوران پیشتاز حضرت مهدی ارواحنا فداه، با دارا بودن چه خصلتی بر دیگران سبقت می گیرند و به آن مقام بزرگ نائل می شوند؟!

با هم به مکتب وحی رو می آوریم و پاسخ آن را این گونه می یابیم:

حضرت امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه ای که ذکر کردیم، چنین می فرمایند :

اَلْخَيْراتُ ؛ اَلْوِلایَهُ لَنا أَهْلَ الْبَيْتِ.(۱۶)

مقصود از خیرات - که در آیه ذکر شده - ولایتی است که از آنِ ما اهل بیت است.

اشاره ای به قدرت آنان

هر چه انسان در پذیرش ولایت بکوشد، روح خود را قویتر می کند و قدرتِ غیر عادی او افزایش می یابد؛ تا حدّی که می تواند بر اثر قدرت روح، بر موجودات مادّی و حتی غیر مادّی حکومت کند .

اینک به ذکر داستانی جالب از مرحوم علاّمه بحرالعلوم می پردازیم:

مرحوم علاّمه سیّد بحرالعلوم مبتلاـ به مرض خفقان بود و با این مرض در وقت تابستان به قصد تشرّف به کربلا در یکی از زیارات مخصوصه حضرت ابی عبداللّه الحسین علیه السلام در روزی بسیار گرم، از نجف اشرف خارج شد .

مردم تعجّب نمودند که با

این مرض و گرمی هوا، ایشان چگونه به مسافرت می روند؟!

در میان همسفرهای ایشان، مرحوم شیخ حسین نجف بود که از علماء مشهور عصر سیّد بود .

آنـان چون بر مرکب های خود سوار شـده و به راه افتادنـد، ابری در هوا پیـدا شـده بر آنها سایه افکنـد و نسـیم سـردی وزیـدن گرفت و هوا بطوری خنک شد که گویا در سرداب هستند.

ابر همچنان بر آنها سایه افکنده بود، تا آن که نزدیک »خان شور« رسـیدند. در آنجا کسی از آشنایان عالم بزرگ، شیخ حسین نجف پیدا شده و ایشان از سیّد بحرالعلوم جدا شد و به احوالپرسی و صحبت پرداخت .

آن ابر، بر سر سیّد سایه می افکند تا آن که سیّد وارد کاروانسرا شد. چون حرارت آفتاب بر شیخ حسین نجف تابید، حالش دگرگون گردید و از مرکب به زمین افتاد و به خاطر کهولت سن یا به جهت ضعف بنیه، بیهوش شد.

پس او را برداشـته، به کاروانسـرا به نزد مرحـود سـیّد بحرالعلوم رساندنـد . بعـد از آن که به هوش آمـد، به آن بزرگوار عرض کرد: »سیّدنا لِمَ لم تدرکنا الرحمه؟« چرا رحمت ما را فرا نگرفت؟

سیّد فرمود: »لِمَ تخلّفتم عنها؟« چرا از رحمت تخلّف نمودید. و در این جواب توریه ایست لطیف .(۱۷)

قدرت تصـرّف یاوران خاصّ امام عصـر ارواحنا فداه این گونه است. عده ای از سـیصد و سـیزده تن از یاوران خاص امام عصر ارواحنا فداه از ابرهای اسـرار آمیز اسـتفاده می نمایند و در ابتداء ظهور، خود را به وسـیله ابر به محضر آن بزرگوار می رسانند. مفضّل می گوید:

قالَ أَبُوعَبْدِاللَّه علیه السلام: إِذا أُذِنَ الإِمامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرانیّ فَأُتیحَتْ لَهُ صَحابَتُهُ الثَّلاثَمِأَهِ وَثَلاثَهَ عَشَرَ قَزَعٌ کَقَزَعِ الْخَریفِ

وَهُمْ أَصْحابُ الْأَلْوِیَّهِ .

مِنْهُمْ مَنْ یُفْقَدُ عَنْ فِراشِهِ لَیْلاً فَیُصْبِحُ بِمَکَّهَ، وَمِنْهُمْ مَنْ یُری یَسیرُ فِی السَّحابِ نَهاراً یُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبیهِ وَحِلْیَتِهِ وَنَسَبِهِ .

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداکَ أَیُّهُمْ أَعْظَمُ إیماناً؟

قالَ: اَلَّذی یَسیرُ فی السَّحابِ نَهاراً وَهُمُ الْمَفْقُودُونَ وَفیهِمْ نُزِلَتْ هذِهِ الآیَهِ »أَیْنَما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهِ جَمیعاً «(۱۹). (۱۸)

امـام صـادق علیه السـلام فرمودنـد: هر گـاه به امـام علیه السـلام اذن داده شود، خداونـد را به اسم عبری او می خوانـد، آن گاه یاوران او که سیصد و سیزده تن هستند، برای یاری او مهیّا می گردند. آنها ابرهائی هستند همچون ابرهای پائیزی) که به هم می پیوندند و در یک جا جمع می شوند(و آنان پرچمداران)حضرت مهدی علیه السلام(هستند.

بعضی از آنان شبانه از خوابگاه خود ناپدید می شوند و در مکّه صبح می کنند، وعده ای دیگر از آنان دیده می شوند که روز در ابرها سیر می کنند و به نام خود و نام پدر و صفت و نسبشان شناخته می شوند.

گفتم: کدام یک از این دو دسته از نظر ایمان با عظمت تر هستند؟

امام صادق علیه السـلام فرمودند: آنان که در روز در ابرها سـیر می کنند و اینان هستند که از مکان های خود ناپدید می شوند و درباره آنان این آیه نازل شده است: »هر جا که باشید، خداوند تمامی شما را می آورد«.

آشنایی با زمان ظهور

اشاره

آشـنایی بـا وضع جهـان در روزگـار ظهور و تحوّل عظیمی که در آن زمان رخ می دهـد، انسان را به سوی مسأله انتظار فرا می خواند.

تحوّل شگفت انگیزی که در سراسر جهان و در انسان ها پیدا می شود ، انسان و جهان را به صورتی دیگر جلوه گر می سازد .

۱ – پاکسازی باطن

اینک به تشریح کوتاهی از تحوّلاتی که در اعماق وجود انسانها به وجود می آید، توجّه کنید:

یکی از مسائل اعتقادی، بحث طینت و چگونگی آمیخته شـدن طینتهای پاک و ناپاک به یکدیگر است. در روایات بیان نموده انـد که مقصود از طینت چیست و چرا طینت ها به هم آمیخته شدنـد و چگونه پاکسازی شـده و از یکـدیگر جـدا می گردنـد؟ تفصیل این مسئله با حجم کوچک بحث ما مناسب نیست؛ از این رو تنها به این نکته اشاره می کنیم:

از ویژگی های روزگار ظهور، پاکسازی طینت ها از آمیختگی ها و پاکسازی نفس و ضمیر ناخودآگاه از آلودگی هایی است

که در اعماق وجود انسان وجود دارد.

چرا می گوئیم در روزگار ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، مردم از آمیختگی ها و آلودگی ها پاک می شوند؟

قبل از پاسخ به این سئوال، داستانی را به خاطر توضیح مطلب می آوریم:

شیبه بن عثمان یکی از دشـمن ترین دشـمنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بود و آرزوی قتل آن حضرت را در سر می پروراند. او در جنگ «حنین» شرکت کرد تا پیغمبر را به شهادت برساند. و آن گاه که مردم از اطراف آن حضرت پراکنده شدند و پیغمبر تنها ماندند، از پشت سر خود را به ایشان رساند، ولی شعله ای از آتش به سوی او بلند شد؛ به طوری که طاقت تحمّل آن را نداشت. به این جهت نتوانست به مقصود خود دست یابد.

پیغمبر

اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به او رو نموده و فرمودند: شیبه نزدیک بیا! آن گاه حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم دست خود را بر سینه او گذاردند. بر اثر این کار، محبّت آن بزرگوار در قلب او جای گرفت؛ به طوری که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، محبوب ترین فرد نزد او شدند. آن گاه در حضور آن حضرت به جنگ با مخالفان پرداخت، به طوری که اگر در برابر پدر خود قرار می گرفت، او را به خاطر یاری پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می کشت .(۲۰)

ببینید چگونه دستان پاک پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم طینت ناپاک و نفس آلوده یکی از سرسخت ترین دشمنان را در یک لحظه از ناپاکی و آلودگی نجات داد و او را از صف کفّار جدا نمود و در میان لشکر پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم قرار داد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با کشیدن دستان مبارک خود بر سینه او، عقل او را تکمیل نمودند و به خاطر تحوّلی که در طبیعت ناپسند وی به وجود آمد، از ضلالت و گمراهی نجات یافت.

پس از بیان این مقدمه به شرح روزگار ظهور می پردازیم.

حضرت امام باقرعلیه السلام می فرمایند:

إِذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ الْعِبادِ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَاَکْمَلَ بِهِ اَخْلاقَهُمْ .(۲۱)

آن گاه که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سرهای بندگان خدا می گذارد. پس با این عمل، عقل های آنان را جمع می کند)به این سبب نیروهای عقلی آنان کامل می شود(و اخلاق آنان را تکمیل می نماید.

امام عصر ارواحنا فداه با این رفتار، باطن افراد را پاکسازی می کنند و همه بندگان خدا را از آلودگیها نجات

می بخشند.

۲ – تکامل عقل ها در زمان ظهور

اکنون دو نکته جالب توجّه در روایت را، توضیح می دهیم:

۱ – حضـرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه دست خود را نه فقط بر سر اصحاب و یارانشان؛ بلکه بر سر تمام بندگان خدا قرار می دهند. یعنی همه افرادی که بندگی خدا را در آن روز قبول دارند؛ اگر چه در جنگ، از یاوران آن حضـرت نباشند مانند کهنسالان و کودکان، از این نعمت بزرگ برخوردار می شوند.

۲ – عقول همه مردم از پراکنـدگی نجـات می یابـد و همه دارای قـدرت کامـل تمرکز فکر و تعقّل که منشأ علوم و درک های خـارق العـاده است، می شونـد. کامل شـدن نیروهای عقلی آنان، به این معنی است که می تواننـد از تمامی قـدرت های مغزی خود استفاده کنند.

آری در روزگاری که دست الهی بر سر مردم جهان قرار گیرد و انسان های زجر کشیده دوران غیبت را نوازش دهد، نیروهای پنهان و نهفته در مغز انسان ها بر اثر تکامل عقلی، تجلّی و ظهور می یابـد و به عالی ترین مراحل تکامل علمی و عملی و تمدّن شگفت انگیز روزگار ظهور دست می یابند.

برای آن که با قدرت مغز و آثار شگفت تکامل عقلی، آشنایی بیشتری پیدا کنید، به تشریح قدرت عظیم مغز می پردازیم:

»هر انسانی اعمّ از نابغه یا عادّی، چیزی بیش از یک میلیاردم ظرفیّت مغز خویش را در دوران زنـدگیش به کار نمی گیرد. اگر فقـط یک میلیاردم توانایی و ظرفیّت کلّی مغز، اعمّ از مغز یک نابغه یا مغز یک انسان عادّی به کار گرفته شود، تفاوتی که بین آنهـا دیـده می شـود، یـک تفـاوت کیفی خواهـد بـود نه کمّی«(۲۲) یعنی حـتی افراد نـابغه ای کـه از قـدرت عجیـب فکری برخوردارند؛ فقط می توانند از یک میلیاردم مغز خود

استفاده کنند نه بیشتر. ولی چگونگی بهره گیری آنان از یک میلیاردم مغز خود بهتر از دیگران است.

»سالها پیش از این، یکی از ریاضی دانان معاصر، مطلبی پر سر و صدا را به آگاهی مردم رساند. او تخمین زد که مغز انسان عملاً می تواند ده واحد اطلاعاتی را در خود ذخیره سازد. این رقم را اگر به زبان ساده بیان کنیم، به این معنی خواهد بود که هر یک از ما می تواند کل محتوای اطلاعاتی میلیونها جلد کتاب موجود در بزرگترین کتابخانه جهان در مسکو را به حافظه بسپارد. سخن فوق در نگاه نخست، همانند محاسباتی که در تأیید آن به عمل آمده، حیرت انگیز به نظر می رسد«.(۲۳)

اکنون توجّه کنید: در صورتی که قدرت مغز انسان بر اثر تشعشع انوار درخشان مصلح جهان به تکامل رسد و انسان از تمام نیروی مغز خود - نه یک میلیاردم آن - استفاده کند و علم و تمدّن سراسر گیتی را فرا گیرد، صحنه جهان چگونه خواهد بود؟!

در زمانی که انسان بر اثر تکامل عقلی راه های استفاده از قدرتهای خفته روح را پیدا نماید و بتواند آنها را بیدار نموده و از آنها بهره گیری نماید، می تواند جسم خود را تابع روح خویش قرار داده و به قدرت »تروّح« دست یابد. یعنی می تواند جسم مادّی خود را تبدیل به انرژی و امواج کند و با این کار حالت جسمانیّت و مادّیت را از او بگیرد. وقتی که انسان قادر بر این کار شد؛ کرامت های فراوانی که در آن زمان عادی است، برای او محقق می شود.

در زمان غیبت نیز افراد بسیار اندکی که دارای قدرت »طیّ الارض« هستند ، از

این راه استفاده می کنند و با گرفتن حالت مادیّت و تجسّم از جسم خویش، خود را به صورت انرژی و امواج، تبدیل نموده و در یک لحظه در نقطه دیگری از زمین، خود را ظاهر می کنند. آنان با قدرتی که دارا هستند؛ جسم تروّح یافته خود را، به نقطه ای که مایل هستند هدایت می کنند و در آنجا آن را مجسّم می نمایند.

۳ – تحوّل عظیم در جهان

در روزگار پر شکوه ظهور، تحوّلی عظیم در زمین رخ می دهد و به فرموده قرآن مجید: »یَوْمَ تُبَدَّلُ الاَرْضُ غَیْرَ الْاَرْضِ «(۲۴)، زمین به گونه ای دیگر و در وضع و شرایط جدید قرار می گیرد. نه تنها زمین، بلکه زمان نیز دستخوش تحوّل تازه می شود.(۲۵)

»امروز همه دانشمندان بر این نکته هم عقیده هستند که مادّه از ارتعاشات تشکیل شده است. ارتعاشات را می توان توسط کابل یا امواج صوتی، مثل تصاویر و اصوات، به دورترین نقاط منتقل کرد؛ در نتیجه ارگانیزم انسان را که از مادّه ساخته شده، می توان به ارتعاش تبدیل کرد و توسط الکترونیک به هر نقطه عالم فرستاد. نظر من این است که در آینده ای نه چندان دور، حتی قبل از مسافرتهای فضایی، می توان روشهایی پیدا کرد تا پیکر آدمی را به ارتعاشاتی تجزیه نمود و آن را به فضا فرستاد و در آنجا ذرات از هم گسسته را به هم متصل ساخت.

حال خوانندگان ما می توانند این را خود قضاوت کنند که انسان روح است و جسم او جز ذرات متمرکز مادّه چیز دیگری نیست که با کُند ساختن و پایین آوردن ارتعاشات، می توان آن را به اَشکال دلخواه درآورد.(۲۶)

می توان روزی را به چشم دید که انسان پیکر خود را تبدیل به جریان

الکترون بسازد تا در پی آن ، این جریان را به سوی نقطه دوری هدایت کند و در آنجا تجمع اتمهای تشکیل دهنده بدن مجدداً صورت گیرد.«(۲۷)

بنابر تکامل عمومی نیروهای عقلی که در روایت به آن تصریح شده، غلبه روح بر مادّه همگانی می شود و مردم حاکم بر جسم خود می شوند و می توانند از این حالت به خوبی استفاده کنند. در آن روزگار پرشکوهِ ناشناخته، زندگی مردم و احتیاجات آنان به وسائل مادّی، به گونه ای دیگر است.

در پرتو ظهور ولایت اهل بیت علیهم السلام، علم و دانش انسان به عالیترین نقطه امکان می رسد، و بشر می تواند از تمامی مراحل دانش به راحتی و آسانی بهره مند گردد و اسراری را که اولیاء خدا تا آن روزگار از مردم به خاطر آماده نبودن آنان کتمان می کردند، فاش می نمایند و انسان ها را با دنیای اسرار آمیز وجودِ خود و جهان خارج آشنا می کنند و راه تربیت و تکامل نهایی را برای آنان می گشایند.

شاید پذیرفتن این گونه مطالب برای ما سخت باشد و این همه پیشرفت در مسائل علمی را نتوانیم بپذیریم؛ در حالی که می دانیم، اگر مغز انسان از اسارت شیطان و جهل آزاد شود، لازمه آن، تکامل انسان در تمام ابعاد می باشد به گونه ای که رازی در جهان ناگفته نمی ماند و همه مسائل بغرنج علمی فاش می شوند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - که غاصبان خلافت، تاکنون میلیاردها انسان را از رسیدن به عالیترین مراحل علم و کمال، و تمدّن درخشانِ ولایت محروم ساخته اند - در کلامی که از اعماق وجودِ آن بزرگوار برخاسته، چنین می فرمایند:

یا کُمَیْل ؛ ما مِنْ عِلْمٍ اِلاَّ وَاَنا اَفْتَحُهُ وَما مِنْ سِرٍّ إلّا وَالْقائِمُ یَخْتِمُهُ .(۲۸)

ای

کمیل ؛ هیچ علمی نیست مگر آن که من او را می گشایم و هیچ سرّی نیست مگر آن که قائم علیه السلام او را پایان می بخشد .

آری ؛ آن گاه که انوار تابناک از دستان مبارک حضرت بقیه اللّٰه الاعظم ارواحنا فداه مغزهای مردم ستم کشیده و رنجدیده جهان را تکامل بخشد و قدرت استفاده از قدرت های بسیار شگفت ایجاد شود، انسان ها می توانند با تمامی قدرتِ فهم و خرد خویش – نه یک میلیاردم آن – پذیرای اسرار مکتب حیاتبخش خاندان وحی شوند و به نهایی ترین مرحله علم و کمال دست یابند.

در آن روزگار پرشکوه، رازها و اسرار نهفته آشکار خواهد شد، و از تیرگی و تاریکی های این دوران اثری نخواهد بود. آیا انتظار رسیدن چنین روزی قلب شما را صفا نمی بخشد؟!

نتیجه بحث

انتظار، حالتی امیدوار کننده و نجات بخش است که منتظران را در دوران سیاه غیبت از گرداب حیرت نجات می بخشد و آنان را به سوی وادی نور و صفا می کشاند .

انتظار ، غمزدگان را حیاتی دیگر می بخشد و نیرویی تازه می دهد و دلهای افسرده را امیدوار می نماید و جهانی از شادکامی و درخشندگی را در اذهان پرورش می دهد.

انتظار ، مردمان وارسته را می جوید و حالات خجسته را می نماید و جمال فروزنده را نشان می دهد .

انتظار ، موانع و تیرگیها را می زداید و نوری فروزنده در وجود انسانهای تکامل یافته، ایجاد می کند.

انتظار ، بذر معارف و اعتقادات اصیل شیعه را در قلب منتظران بارور می کند و کامل ترین حالات معنوی را برای بافضیلت ترین انسان ها به ارمغان می آورد .

اگر می خواهید حالتِ انتظار را در خود ایجاد نموده و تقویت نمائید، با مقام عظیم ولایت اُنس بگیرید و از آثار شگفت

انتظار آگاهی یابید و با پیگیری در حالات منتظرانِ تکامل یافته، از خصلت ها و ویژگی های آنان آگاه شوید و با خجستگی های زمان ظهور حضرت بقیّه اللَّه الا۔عظم ارواحنا فداه، قلب و جان خود را آشنا کنید، تا ناخودآگاه انتظار فرا رسیدن آن روزگار پرشکوه، تمام وجودتان را فرا گیرد.

روز محشر که زهولش سخنان می گویند

راست گویند ولی چون شب هجران تو نیست

۵۰۰

۵۰۱

۵۰۲

۵۰۳

۵۰۴

۳/۵۰۵

۴/۵۰۶

۵/۵۰۷

پی نوشتها

۱) افرادی که با توسل و یاد امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف مراسم انتظار را به پا می دارند، زیادند و بحمداللَّه برگزاری این گونه مجالس رو به افزایش و گسترش است و مقصود ما نفیِ این گونه مجالس و این گونه افراد و منتفی بودن حالت انتظار در آنان نیست. زیرا انتظار دارای مراتب است و آنان که به کمال انتظار و مراحل عالی آن راه یافته اند، - گرچه تعدادشان کم است - از میان همین گونه افراد برخاسته اند و با تلاش و کوشش و تحمّلِ سختیها و ناگواریها، در راهی که برگزیده اند، از پای ننشسته اند.

زخوف بادیه دل بد مکن ببند احرام

که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز

۲) در روایات متعدد به استفاده از قدرتهای خارق العاده در حکومت امام عصر ارواحنا فداه، تصریح شده است.

۳) راه هـای دیگری نیز وجود دارد که انسـان را به سوی »انتظـار« فرا می خوانـد و مـا درباره بعضـی از آن ها در کتاب »اسـرار موفّقیّت« توضیح داده ایم ؛ مانند مسأله اخلاص، آشنایی با معارف، محبّت اهل بیت علیهم السلام ، خودسازی و... .

۴) بحار الأنوار : ۱۷۳/۲۵ .

۵) رجوع کنید به بحار الأنوار : ۱۴۵/۵۲ .

۶) کمال الدین : ۱۴۶ و۱۴۷، بحارالانوار : ۲۵۰/۳۶.

۷) برای توضیح مطلب ، به

حدیث بسیار جالب ابوبصیر و غایب شدن امام باقرعلیه السلام به «اسرار موفّقیّت : ۲۷۶/۲» رجوع کنید .

۸) بحارالانوار : ۱۳۰/۵۲.

۹) بحار الأنوار : ۱۳۱/۵۲ .

۱۰) بحارالانوار : ۱۲۲/۵۲.

۱۱) همان گونه که گفتیم، به ندرت افرادی مانند مرحوم سیّد بحرالعلوم و مرحوم شیخ مرتضی انصاری، به این حالات دست می یابند.

۱۲) زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص۱۰۶.

۱۳) سوره عنکبوت آیه ۶۹.

۱۴) رجوع کنید به فوائد الطوسیّه مرحوم شیخ حرّ عاملی : ۸۲ .

۱۵) سوره بقره آیه ۱۴۸.

۱۶) الغیبه مرحوم نعمانی : ۳۱۴.

۱۷) العبقریّ الحسان: ۶۹/۲.

۱۸) سوره بقره ، آیه ۱۴۸ .

۱۹) بحار الانوار : ۳۶۸/۵۲، الغیبه نعمانی : ۱۶۸، تفسیر عیّاشی : ۶۷/۱.

۲۰) سفینه البحار : ۲۰۲/۱، مادّه حبب.

۲۱) بحار الأنوار : ۳۳۶/۵۲.

۲۲) توانائیهای خود را بشناسید ص ۳۴۷ .

۲۳) توانائیهای خود را بشناسید: ۴۴.

۲۴) سوره ابراهیم ، آیه ۴۸ .

۲۵) اشاره به روایتی است که می فرمایند: «اِذَا اتَّسَعَ الزَّمان، فَاَبْرارُ الزَّمانِ اُولی بِهِ» بحار الأنوار : ۳۵۴/۴۷ .

۲۶) روح زنده می ماند : ۱۵۸.

۲۷) روح زنده می ماند : ۱۸۸.

۲۸) بحارالانوار : ۲۶۹/۷۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹